

گی دو مویاسان در ایران

طهمورث ساجدی

استادیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران

چکیده

گی دو مویاسان از نوول نویسان بزرگ فرانسه در قرن نوزدهم بود. نوول‌های او، نسبت به سایر نوول‌نویس‌ها، از نظر مضمون، روانی و طرز بیان، نوپردازی در نوول‌نویسی بود و در نتیجه تحول چشمگیری را در انواع ادبی به دنبال داشته است. استقبال خوانندگان، به ویژه در ایران، ترجمه‌های متعددی را از آثار او موجب شده است و ظاهراً این ترجمه تحولات جالبی را نیز در ادبیات معاصر ما را به همراه داشته است. این امر و نیز بخصوص سهم مترجمان ما در این مقاله، که به تأثیر و تأثیر هم می‌پردازد، بررسی خواهد شد. **واژه‌های کلیدی:** ادبیات فرانسه، قرن ۱۹، گی دو مویاسان، ترجمه، تأثیر و تأثر.

مقدمه

تاریخ ادبی فرانسه در قرن نوزدهم غنی‌ترین سبک‌های ادبی را به وجود آورده است، اما در گرما گرم ناتورالیسم، گی دو موپاسان در انواع ادبی تحولی چشمگیر را موجب می‌شود و به نوول جان تازه‌ای می‌دهد، تا آنجا که وقتی صحبت از نوول می‌شود، بی‌هیچ تأملی نام او بر زبان آورده می‌شود. موپاسان از داستان‌نویسانی است که خیلی زود در ایران شناخته شد و مترجمان بزرگی به ترجمه آثار او دل بستند. رمان‌های او نیز همزمان با نوول‌های او ترجمه شده و ظاهراً او را می‌توان از معدود نویسندگان غربی دانست که سبک داستان‌نویسی او بر ادبیات فارسی معاصر تأثیر گذاشته است. به همین روی در نظر داریم که در این مقاله به بررسی سهم مترجمان فارسی در ترجمه آثار او و نیز به فرایند تأثیر او بر ادبیات کشورمان بپردازیم.

بحث و بررسی

هر چند که قرن نوزدهم، در فرانسه، قرن تاریخ نامیده شده است، لیکن تاریخ ادبی آن شاهد نویسندگانی بوده که بارزترین مکتب‌های ادبی و انواع ادبی را به وجود آورده‌اند. ناتورالیسم و نوول نویسی، که در اواخر همان قرن شاهد تحولات عمده و تأثیرگذار بود، نویسندگان مختص خود را داشتند، به ویژه نوول نویسی، که بیشتر در گرد شخصیت ادبی یک فرد بود که آثار زیادی در همین زمینه پدید آورد، آثاری که بی‌شبهه نامش را در ادبیات جهان پایدار نمود.

گی دو موپاسان^۱ در تاریخ ۵ اوت ۱۸۵۰ در شاتو دو میر و منیل^۲، در نزدیکی دی یپ^۳ فرانسه متولد شد و در تاریخ ۶ ژوئیه ۱۸۹۳ در پاریس درگذشت. در طول کودکی اش، که در جوئی آزاد در نرماندی^۴ می‌گذرد، با دهقانان منطقه کو^۵ مانوس می‌شود و اغلب ناظر غرایز خشن، رفتار و آداب و رسوم آن‌ها است، به طوری که تأثیر آن‌ها در بیش از یک چهارم آثارش نمایان است (برونل، ج ۴، ص ۲۴۴؛ تراویک، ج ۱، ص ۵۱۰). وقتی که به سیزده سالگی می‌رسد، مادرش با رفتن او به مدرسه

1 - Guy de Maupassant

2 - Miromesnil

3 - Dieppe

4 - Normandie

5 - Caux

رضایت می دهد (لویی فورستیه، ص ۱۲۹۹)، اما در مؤسسه مذهبی ایوتو^۱، در مجاورت روان^۲ بود، که نشانه هایی از خردگرایی را از خود بروز می دهد، نشانه هایی که با اصول و انضباط حاکم بر آن مؤسسه در تضاد بود. از این روی برای ادامه تحصیل به دبیرستانی در همان شهر می رود و سرانجام موفق به دریافت دیپلم متوسطه می شود.

دو نویسنده هم‌ولایتی اهل نرماندی در حرفه نویسندگی او تأثیر عمیقی گذاشتند، به طوری که خود او به هنگام سخن دربارهٔ رمان، گفته بود (همان، ص ۷۱۲): «دو نفر با تعلیمات ساده و روششان همیشه به من نیروی تلاش در انجام کار داده اند: «لویی بویه^۳ و گوستاو فلوربر^۴».

اولین کارش را در سال ۱۸۷۳ به عنوان کارمند بخش مدیریت مستعمرات در وزارت دربارداری (همان، ص ۱۳۵۰) آغاز می کند و این کار و نیز مطالعه مجموعه اشعار بویه که فلوربر با عنوان *آخرین ترانه ها* (۱۸۷۲) منتشر کرد و در آن مؤلف به غیر بومی مآبی و نیز به بعضی اشکال شعری ادبیات شرقی توسل جسته بود، نظر او را به شرق و به خصوص به شمال آفریقا معطوف می کند. فلوربر، که سهم زیادی در حرفه نویسندگی موباسان داشت، می گفت که او در انواعی که شهرت والایی دارند، مثل تناتر و شعر، خود را آزموده است. به همین روی متوجه نوشتن داستان کوتاه می شود. که مرگ پروسپر مریمه^۵ در سال ۱۸۷۰ باعث به وجود آمدن خلاء در آن شده بود و او نیز با توجه به آن، شکاف بین خوانندگان پی جوی ادبیات و مردمی را که به دنبال سرگرمی بودند، پر کرد (پریستلی، ص ۲۸۵).

در همین سال بین فرانسه و پروس جنگ شدیدی در می گیرد، موباسان هم جزو سربازهای بسیج شده وارد کارزار می شود و تا ماه نوامبر سال بعد به این مهم می پردازد. هزیمت ارتش فرانسه و اشغال این کشور، تأثیر زیادی بر او می گذارند؛ به طوری که بعضی از بهترین نوول هایش آکنده از تأثیر این جنگ است؛ لکن به هیچ وجه حس انتقامجویی در آنها پرورانده نشده است (فورستیه، ص ۱۵۸۳). به کمک فلوربر وارد وزارت آموزش و پرورش می شود و مهمتر از آن توسط وی با امیل زولا^۶

1 - Yvetot

2 - Rouen

3 - L. Bouilhet

4 - G. Flaubert

5 - P. Merimée

6- E. Zola

و گروه ناتورالیست‌ها آشنا می‌شود و حتی جلسات کافه تراپ^۱ به ابتکار او ترتیب می‌یابند؛ جلساتی که منتهی به نشست‌های شبانه گروه مدان^۲ می‌شود. در یکی از همین نشست‌های زولا پیشنهاد می‌کند که هر یک از اعضای گروه شش نفری داستان کوتاهی را با مضمون جنگ ۱۸۷۰ به نگارش درآورد و زمانی که مجموعه شب نشینی‌های مدان (۱۸۸۰) منتشر می‌شود، نه فقط همگان به وجود یک گروه ادبی خلّاق واقف می‌گردند، بلکه به هنر مویاسان در نوشتن داستان کوتاه هم پی می‌برند؛ چون که تپلی وی در این مجموعه بهترین داستان کوتاه شناخته می‌شود.

مویاسان، که در سی سالگی به عنوان نویسنده و به طور اخص به عنوان نویسنده داستان کوتاه شناخته می‌شود، تا مدت ده سال بی‌وقفه و با انرژی زاید الوصفی به نوشتن می‌پردازد و بیش از سیصد داستان کوتاه، شش رمان و تعداد متناهی مقاله و مقدمه و نمایشنامه ارائه می‌کند. در طی این مدت کار شاقی را که به خود تحمیل کرده بود، باعث مشکلات روحی و جسمی زیاد برای او می‌شود؛ به طوری که کم‌کم به طرف انواع مسکن‌ها و نیز وسایل تسکین بخش قویتر، که بالاخره باعث اعتیاد او به اتر می‌شود، روی می‌آورد. از آن جایی که تأمین مالی شده بود، چون که آثارش درآمد بسیار خوبی برای او به بار آورده بودند، تفریحات گوناگون و افراط در آن کم‌کم تأثیر منفی بر قوای دماغی او وارد می‌کنند. ترس از پیری و سپس جنون هم تأثیر منفی خود را آشکار می‌کنند و او اراده عمل خود را از دست داده و سرانجام در چهل و سه سالگی فوت می‌کند.

در اواخر سال ۱۸۹۱ مویاسان یادداشت معنی داری به شکل سوم شخص تنظیم و برای یکی از وکلایش ارسال می‌کند. در بخشی از این یادداشت می‌نویسد (همان، ص ۱۶۸۱): «آقای گئی دو مویاسان اولین نویسنده فرانسوی است که ذوق ملی را در کشور برای قصه و داستان کوتاه به وجود آورده است. او تمامی نوشته‌هایش را، که شامل یک مجموعه بیست و یک جلدی است، ابتدا در روزنامه‌ها و سپس به صورت کتاب، منتشر کرده است».

او اذعان دارد که از طریق قصه و داستان کوتاه، توانسته است جایگاهی در ادبیات فرانسه در سطح ملی داشته باشد. در واقع اهم کارنامه او مربوط به همین قسم از انواع ادبی است. پس از تعریفی که مریمه از داستان کوتاه ارائه نموده و آن را داستانی فاقد عناصر شگفت‌انگیز، توصیف کرد، مویاسان

1 - Trapp

2 - Médan

مقام ادبی داستان کوتاه را به اوجش رساند و خود را در همین زمینه شناساند. ایجاز کلام، روند سریع داستان از همان ابتدا و سادگی آن از مختصات سبک او می‌باشد. داستان کوتاه محکوم به مرگ، که مجتبی مینوی آن را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است، نمونه بارزی از این نوع سبک و سیاق است (*داستانها و قصه ها*، ص ۲۳۸). از طرف دیگر، رته ولک، که می‌گفت فلوربر از لحاظ نظری و عملی موفق نشده بود تا رنالیسم و زیبا پرستی را با هم ترکیب کند، معتقد بود که موباسان «از طریق اقتباس و در سطحی نازلتر و به زیان کشاکش درونی» به این ترکیب دست یافته بود (ج (۱) ۴، ص ۲۶ و ۲۷).

سوی فلوربر و بوییه، موباسان از بالزاک (فورستیه، ص ۱۳۳) هم متأثر بود و به آثار هوگو^۱ (همان، ص ۱۶۸۵)، بودلر^۲ (همان، ص ۱۴۵۳)، رمبو^۳ (همان، ص ۱۵۱۴) هم علاقه داشت و حتی در نوشتن رمان خود، به قوت مرگ، متأثر از تحلیل‌های روانشناختی پل بورژه^۴ بود. لکن توجه خاصی به کتاب آرتور شوپنهاور^۵ *افکار و قطعات*، که در سال ۱۸۷۹ توسط بوردو^۶ ترجمه و منتشر شده بود (همان، ص ۱۵۱۵)، از خود نشان داد و در آثارش مضمون‌های ازدواج (همان، ص ۱۲۶۷)، دنیا، خدا (همان، ص ۱۲۸۳)، درد و رنج (همان، ص ۱۲۹۰)، فقر زندگی، عشق (همان، ص ۱۴۵۸)، مردم و بنیان‌های اخلاقی (همان، ص ۱۴۶۶)، سرشت کهنتر زن (همان، ص ۱۵۱۵)، عشوه‌گری و طنزازی یا تسلط و تملک زن بر مرد از طریق خدعه (همان، ص ۱۵۸۰ و ۱۶۴۰) را با مطالعه همین اثر شوپنهاور، در آثارش وارد کرد و در تمامی این موارد عملاً همفکر با وی به موضع‌گیری پرداخت.

سراب آمریکا در قرن نوزدهم همچنان بسیار شدید است، لکن این آرزو در عصر موباسان تشدید می‌شود. همان‌طور که در یک زندگی، عمومیم ژول و پیر وژان به آن اشاره شده است، در اواخر قرن نوزدهم امریکا واقعاً روح و فکر اروپاییان را مسحور خود کرده بود. آمریکار در فاصله سال‌های ۱۸۸۰

1 - Hugo

2 - Baudelaire

3 - Rimbaud

4 - P. Bourget

5 - A. Schopenhauer

6 - Bourdeau

تا ۱۹۱۴ بیست و دو میلیون مهاجر را پذیرفته بود، تا آنجا که آپولینر^۱ هم چند قطعه از اشعار زون (ناحیه) را که در ابتدای *الکل ها* آورده، به آن اختصاص داده است. اما از دید مویاسان مهاجرت کرده معرف وضعیت بدون راه حل و بدون امید است. در پندار او مهاجران مظاهر بن بستی اند که آگاهانه گرفتار آن شده اند (فورستیه، ص ۱۳۱۱ و ۱۵۵۷).

سعید نفیسی، که در رمان هایش تحت تأثیر نویسندگان فرانسوی قرار داشت، در رمان معروف خود نیمه راه بهشت (۱۳۲۹ ش)، بهشت موعود را آمریکا می‌داند که سر سپردگان و آزمندان ایران در «نیمه راه» آن جان می‌سپارند (آرین پور، *از نیما تا روزگار ما*، ص ۲۷۰).

مضمون پول که در اغلب رمان‌های قرن نوزدهم، به ویژه در آثار بالزاک، دیده می‌شود، در رمان *بل آمی* مویاسان در ابتدا و انتهای آن مطرح شده است و به همراه آن زن هم وارد ماجرا شده است. بین پول و زن، صعود و ترقی مردی که از سلامت کامل برخوردار است و اهمیتی نمی‌دهد که با مشکلات پیچیده جامعه عصر خود دست و پنجه نرم کند، دیده می‌شود.

یکی از نخستین رمان‌های ایرانی که مضمون زن و ثروت را دارد، رمان *تفریحات شب* (۱۳۰۹ ش / ۱۹۳۰) اثر محمد مسعود است (آرین پور، همان، ص ۳۰۹) که تا مدتهای مدید رمان‌های دیگر را تحت تأثیر قرار داده بود.

در همین ایام نگارش *بل آمی*، وزنه سیاسی یک روزنامه بزرگ، حتی نفوذش در معاملات بسیار قابل توجه بود. بالزاک فایده ادبی را که می‌شد از آن کسب نمود پیش بینی کرده بود. او در مقدمه *آرزوهای بر باد رفته* خود در سال ۱۸۳۹ می‌گفت: «چگونه در ایامی که هر فرد در جستجوی موضوعات نو است، هیچ قلمی جرئت نمی‌کند که در باب عادات کاملاً مضحک مطبوعات، تنها عادات واقعی و اصیل قرن ما، به ممارست بپردازد.» اما مویاسان یک روزنامه نگار است و به دنبال موفقیت *تپلی* تبدیل به وقایع نگاری می‌شود که همه به دنبالش هستند و او با نشریاتی همچون *تریل بلاس*، *گلوآ* و بعدها *فیگارو* همکاری می‌کند و به همین روی محافل روزنامه نگاران، وقایع نگاران و نویسندگان حوادث متفرقه را به خوبی می‌شناسد. او می‌داند که یک نشریه روزانه چه‌گونه شکل می‌گیرد و چه‌طور منتشر می‌گردد. به همین خاطر با تسلط تمام موضوع روزنامه نگاری را به همراه موضوعات جاه طلبی و دنیای پاریسی وارد *بل آمی* می‌کند (فورستیه، ص ۱۳۳). لکن همانطور که

معلوم است این موضوع را او با استادی از بالزاک اقتباس کرده است (همان، ص ۱۳۳۵)، که در این زمینه پیشگام بوده است.

مونت اوربول تنها رمان مویاسان است که به یک فضای جغرافیایی و اجتماعی ارجاع شده است (همان، ص ۱۴۳۵). موضوع سوء استفاده مالی از بیماران مستقر در ایستگاه‌های آب گرم، خیلی زود توجه زولا را به خود جلب کرده بود (همان، ص ۱۴۴۰) و حتی آلفونس دوده^۱ در رمان *ناباب* [نواب] (۱۸۷۷) خود آن را به طور ضمنی آورده بود (همان، ص ۱۴۳۱ و ۱۴۴۰). مویاسان در *مونت اوربول* درباره آب های به اصطلاح معجزه آسایی که معالج بیماری های خونی اند و باعث طول عمر انسانی می شوند به صحبت پرداخته بود و آن را نوعی حقه بازی (شارلاتانیسم) پزشکی عنوان کرده بود. او برای معالجه سه بار به منطقه شاتل گیون^۲ رفته و شاهد تبدیل آن به یک ایستگاه آب گرم بود (همان، ص ۱۴۳۳). لکن این کار در ضمن نوعی رقابت با ایستگاه مشابه شهر باد^۳ در آلمان بود که پس از جنگ ۱۸۷۰، فرانسویان دیگر رغبت نمی کردند که به آن جا بروند، آسوده خیال و با شوق زیاد به ایستگاه‌های آب گرم فرانسوی هجوم می بردند و همین امر هم عملاً^۴ نوعی شارلاتانیسم را به وجود آورده بود (همان، ص ۱۴۳۳).

مضمون *مونت اوربول* بعداً به شکل نسبتاً مشابه ای توسط ژول رومن^۵ در *کمدی کنوک* یا *پیروزی علم پزشکی* که توسط مرحوم محد قاضی به فارسی نیز ترجمه شده است، ارائه شده بود.

در غرب و شرق از آثار مویاسان به صورت گسترده ای استقبال به عمل آمد، اما در حالی که در غرب این استقبال به همراه ملاحظات انتقادی و بررسی آثار او انجام می گرفت، در شرق این امر بیشتر شکل تأثیر و تقلید از ترجمه های مستقیم و غیر مستقیم را پیدا کرد.

نویسنده روسی ایوان تورگنیف^۶، که در ابتدای حرفه نویسندگی مویاسان در فرانسه به سر می برد و با ناآشنایی جوان هم از نزدیک آشنا بود، یکی از نخستین کسانی بود که ذوق و استعداد

1 - A. Daudet

2 - Châtelguyon

3 - Bade

4 - J. Romains

5 - I. Tourguéniev

موپاسان جوان را متذکر شد (میرسکی، ج ۱، ص ۲۷۷). لئو تولستوی^۱، که مقدمه ای برای گزیده ای از داستان های موپاسان به زبان روسی نوشت (۱۸۹۴) و معتقد بود که *بل آمی وی* پس از *بینوایان* و *یکتور هوگو* بهترین رمان می باشد (ولک، (۲) ۴، ص ۷۱)، برای نوشتن داستان *فرانسواز* خود از یکی از نوشته های موپاسان اقتباس نمود (میرسکی، ج ۲، ص ۴۱) والتر پیتر^۲، نویسنده انگلیسی، در نوشته معروف خود *درباره سبک* (۱۸۸۹) از مقدمه ای که موپاسان برای نامه های *فلوریر به ژرژ ساندر* (۱۸۸۴) نوشته بود، استفاده کرد (ولک، (۲) ۴، ص ۲۰۶). به علاوه ویلیام دین هاوِلز^۳ آمریکایی، که معتقد بود رمان نویسان دو دسته اند، راستگو و دروغگو، می گفت که موپاسان جزو رمان نویسان راستگو بوده است (همان، (۱) ۴، ص ۲۷۲).

اما در شرق. محمد تیمور، نوول نویسی مصری، که تحصیلاتش را در لیون و پاریس به اتمام رسانده بود، پس از بازگشت به مصر، هم خود را وقف درام و رمان نویسی به زبان عربی نمود و با الهام از موپاسان فن نوول نویسی را در کشور خود در قالبی آرمانی و از روی کمال پایه ریزی کرد؛ لکن در سال ۱۹۲۱ و در ۲۹ سالگی درگذشت (عبدالجلیل، ص ۲۹۷). از آن جایی که در این ایام مصری ها و حتی سوری ها و لبنانی ها در ترجمه آثار نویسندگان فرانسوی در شرق پیشگام بودند، احتمال این که ابتدا ایرانیان از طریق این ترجمه ها با موپاسان آشنا شده باشند و سپس به ترجمه مستقیم آثار وی پرداخته باشند زیاد است؛ چون که این ترجمه ها، که تقریباً در دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ در ایران شروع شد، تاریخ چاپ ترجمه را ندارند. اما آنچه که جالب است همانا سعی و کوشش مترجمان بزرگ فرانسه زبان و انگلیسی زبان است که از همین ایام پیوسته کوشیده بودند که به ترجمه داستان های کوتاه او بپردازند.

ظاهراً قدیمی ترین مترجم موپاسان در ایران نویسنده رمان های تاریخی محمد حسن بدیع بود که *داستان جوان بوالهوس* یا *دشمنی پاریس* را در سال ۱۳۳۸ ه. ق (۱۹۱۹) ترجمه کرد (آرین پور، *از صبا تا نیما*، ج ۲ ص ۲۵۴؛ *کتابشناسی رمان*، ج ۲، ص ۷۶۰). سعید نفیسی (*خطاطرات سیاسی*، ص ۳۸۴)، که بدیع را می شناخت و از ترجمه های فرانسه اش هم اطلاع داشت، لقب او را *نصره*

1 - L. Tolstoï

2 - W. Pater

3 - W. D. Howells

الوزاره نوشته است. علیرضا پویان ربّانی نیز، که مؤلف چندین اثر ادبی بود، ترجمه ای از همان کتاب را تحت عنوان *جوان بوالهوس* (۱۲۹۸ ش) منتشر کرد. شکی نیست که از همان ایام عنوان *مأنوس* و بومی شده آن نوعی مقبولیت را برای مویاسان در بین خوانندگان ما موجب گردید و حتی باعث شد که دیگر آثار او به تدریج ترجمه شده و خوانندگانی برای خود داشته باشد. مضاف بر آن، تقریباً در همین ایام ترجمه بدیع است که جمالزاده نیز در دیباچه یکی بود و یکی نبود خود از «کلمات عوامانه مشدیها»، که آن ها را معادل «آرگو»ی فرانسوی ها می دانست، صحبت به عمل آورده، و «مشتی» از آن ها را به عنوان ضمیمه در آخر همین کتاب خود ارائه می کند. یکی دیگر از قدیمی ترین مترجمان آثار مویاسان، عطاءالله شهاب پور، مترجم آثار آلفونس دوده بود که *دست انتقام*، *عاقبت یکصد مسائل* و *مادر وحشی* را ترجمه کرد. تقریباً در همین ایام ابوتراب شایگان، مترجم ژول ورن^۱ و امیل زولا، *دیوانه* را به همراه *گدا* در سال ۱۳۱۷ ش ترجمه و در تهران به چاپ رساند.

آل بویه، که ظاهراً اسم مستعار «معاصر» را نیز برای خود انتخاب کرده بود، داستان های کوتاه *انتقام*، *سرباز کوچک*، *سنجاق* و *فروشی* را بدون تاریخ در تهران چاپ و منتشر کرد. در همین سال های بی نام *طوفان روح*، از اسدالله اشتری اصفهانی، گرگ، از الف. راسخی، *قیمت اعدام*، از سلطان احمد امیر سلیمانی، مترجم آثار ولتر^۲، *گردش*، از محسن صبا، مترجم آثار آلفونس دوده، *والتر شناس*، از احمد بیرشک، که مترجم دوده نیز بود، داستان نویسی و رمان نویسی مویاسان را هم به فارسی ترجمه کرده بود (سخن، ۱۳۵۲، شماره ۱ و ۲. ر.ک: میرصادقی، ص ۵۸۴)، *بابا میلون*، از موسی بروخیم، سرگذشت یک دختر روستایی (تهران، ۱۳۳۰) ابتدا از مترجمی بی نام و سپس با ترجمه جهانگیر افکاری، مترجم آثار استاندال^۳، آناتول فرانس^۴ و ولتر و *دلهای شکسته* از ش.ش. در تهران منتشر می شوند.

مرحوم پرویز ناتل خانلری، که در اوان جوانی و حرفه ادبی خودش به ترجمه هم می پرداخت و آثاری را نیز از ژوزف بدیه^۵ و هانری بردو^۶ ترجمه کرده بود، از مویاسان *آخرین دیدار*، *اعتراف*،

1 - J. Verne

2- Voltaire

3 - Stendhal

4 - A. France

5 - J. Bédier

6 - H. Bordeaux

پدرکش، در یکی از شش‌های بهار و مست را در تهران بدون تاریخ چاپ و منتشر می‌کند. گریکور یقیکیان، از یاران میرزا کوچک خان جنگلی و از پیش‌کسوتان نمایشنامه‌نویسی در ایران، در هنگام سفر، از موباسان را ترجمه می‌کند، ترجمه‌ای که در فهرست‌های فارسی منتشر شده نیامده است (آژند، نمایشنامه‌نویسی در ایران، ص ۱۹۲). اصغر فرمانفرمایی قاجار، مترجم آثار ژان برولر^۱، معروف به ورکور^۲، هانری بردو و آندره موروا^۳، اولین مجموعه بزرگ از آثار موباسان را تحت عنوان بهترین قصه‌ها و داستان‌های کوتاه (تهران، ۱۳۴۶)، که ۲۷ قصه و داستان را در برداشت، منتشر می‌کند که البته قبلاً بعضی از آن‌ها در یک مجموعه ۶ عنوانی و بدون تاریخ منتشر شده بود و بعضی از آن‌ها نیز در کتاب هفته ارائه شده بود. معروف‌ترین آنها عبارت بودند از آقای پاران، عمویم ژول، گردن بند، گلوله پیه، ننه جنگلی و مادام باپتیست.

یکی دیگر از مترجمان قدیمی و با سابقه فرانسه زبان، احمد شهیدی، که در حوالی سال‌های ۱۳۱۴ ش چندین ترجمه از الکساندر دوما (ی) پسر^۴ و ژول ورن را ارائه نموده بود. وی گردن بند الماس و سپس در سال ۱۳۱۷ مادر گناهکار را ترجمه کرد. حسین شهیدزاده در سال ۱۳۲۸ و در دو چاپ متفاوت، که دومی مزین به تصویر هم بود، رک کوچک یا شکنجه وجدان را ترجمه کرد. شجاع الدین شفا، که نامش پیوسته با ترجمه آثار شاتوبریان قرین است، لکن ترجمه‌های زیادی نیز از دیگر نویسندگان فرانسوی ارائه نموده است، هورلا را در سال ۱۳۳۳ ش در مجموعه جامه ارغوانی ترجمه و منتشر نمود. این اثر موباسان بهترین نوشته‌اش در رده آثار فانتاستیک (وهم انگیز) می‌باشد. در کنار ترجمه‌های بی‌نام همین سال‌ها، ترجمه‌ای نیز از مترجم آثار عربی، محمد علی شیرازی، با نام دل‌باخته زیبا (تهران، ۱۳۳۴) منتشر شد، لکن همین اثر با عنوان درست زیبایی بی‌هوده توسط هوشنگ مستوفی نیز ترجمه شد.

از مجموعه‌های موفق ترجمه آثار موباسان، که یادآور مجموعه فرمانفرمایی قاجار است، داستان‌های منتخب، ترجمه مشترک حبیب الله صحیحی، مترجم آثار ژول ورن و فریده قرچه داغی

1 - J. Bruller

2 - Vercors

3 - A. Maurois

4 - A. Dumas fils

می‌باشد (تهران، ۱۳۳۷). پری اباصلتی مجموعه ای از آثار مویاسان را با عنوان *دوئل* و *چند داستان* دیگر ترجمه و منتشر کرد (تهران، ۱۳۳۴). در همین سال و سپس در سال های بعد هوشنگ مستوفی مجموعه ای از داستان های کوتاه را منتشر نمود که گاه یک و یا چند اثر مویاسان را نیز در آن درج می‌کرد. مرحوم محمد قاضی در سال ۱۳۴۰ چندین داستان کوتاه از مویاسان را در *کتاب هفته*، که مختص نوشته های کوتاه بود، منتشر می‌کند و سپس مجموعه آنها را که به ۸ عنوان می‌رسید، با نام *مرده ریگ* و *چند داستان دیگر* (تهران، ۱۳۴۶) و سپس بعدها با یک عنوان، بیشتر آن ها را با نام *تپسی* منتشر می‌کند.

این نوع سبک ترجمه و انتشار بعدها و حتی بعد از انقلاب تا روزگار ما همچنان تداوم پیدا کرده است. در مجموعه هایی که محمود پور شالچی، حمید عنایت، نصرالله فلسفی، مجتبی مینوی، صفدر تقی زاده و محمد علی صفریان، محمد بهفروری، شهرام پورانفر، حسن نامدار، مهران بردبار، محمد تقی دانیای، هوشنگ رکنی، قاسم صنّعی، محسن سلیمانی، اسماعیل فصیح، حسن مسعود انصاری منتشر نموده اند از آثار مویاسان گاه برای نخستین بار و گاه نیز به صورت ترجمه های مکرر ارائه شده است. مجله *کتاب هفته*، که بهترین معرف داستان کوتاه در ایران بود، ترجمه هایی را نیز از زاله پیامی، احمد بهاری و فریدون کیانی منتشر می‌کند و حتی مجله *نگین* هم ترجمه ای از کامران فانی را منتشر می‌کند. فهرست هایی که تا کنون منتشر شده است به وصف این نوع ترجمه های پراکنده، که در نشریات ادواری درج شده اند، پرداخته‌اند.

از ترجمه هایی که نسبتاً جدید بوده و گاهی نیز شکل ترجمه مجدد را دارند، بایستی از *خانه تلیه*، ترجمه بدرالدین مدنی (تهران، ۱۳۵۶)، *اشراف*، ترجمه منیر (تهران، ۱۳۶۲)، *دوشیزه هاریت*، ترجمه محمد علی یزدانبخش (تهران، ۱۳۷۰)، *مسافرخانه*، ترجمه مصطفی طهوری نژاد (تهران، ۱۳۷۱)، *مادموازل فی فی*، ترجمه کوتوال انتقامی (تهران ۱۳۷۲) و *هورلا*، ترجمه شیرین دخت دقیقیان (تهران، ۱۳۷۳) نام برد.

در کنار قصه ها و داستان های کوتاه مویاسان، رمان های وی نیز توسط مترجمان با سابقه و به نام به فارسی ترجمه شده است؛ رمان هایی که به هنگام صحبت از مضمون های آثار این مؤلف از آنها صحبت کرده ایم.

رمان *پیر و ژان*، بار اول به طور خلاصه توسط حسن فرامرزی، مترجم آثار آنا تول فرانس منتشر

شد (تهران، ۱۳۲۸) و بار دیگر بدون ذکر نام مترجم (تهران، ۱۳۳۰). *مونت اوربول* تحت عنوان *لبخند* بخت توسط کریم کشاورز، مترجم آثار ادمون آبو^۱ و ژرژ سیمون^۲، منتشر شد (تهران، ۱۳۴۱). حسن پویان، مترجم آثار سیمون دو بووآر^۳ و سیمون، و ابوذر صداقت، مترجم آثار سیمون، اوژن لوروا^۴، آندره موروا^۵، فرانسوا موریاک^۶ و ویکتور هوگو^۷، بالاتفاق یک زندگی را ترجمه کرده اند (تهران، ۱۳۳۴). و *بلی آمی*، که محمد قاضی معادل خوشگل پسر (رک: تپلی، ص ۳) را برای آن ارائه کرده بود، با همان عنوان اصلی علی اصغر سروش به فارسی ترجمه شده است (تهران، ۱۳۴۷).

این ترجمه ها، که از دهه ۱۳۰۰ تا سال های ۱۳۷۳ به بعد تداوم داشته است، هم معرف جالب بودن شخصیت ادبی مویاسان است و هم نشانگر استقبالی که خوانندگان ایرانی در طول این سال ها از آثار او به عمل می آوردند؛ مضاف بر این که ترجمه های مجدد داستان های کوتاه و یا ترجمه هایی که به صورت گوناگون وارد مجموعه های داستانی شده اند این مقبولیت را تا به امروز استمرار بخشیده اند. تقریباً همزمان با ترجمه آثار مویاسان بعضی از مترجمان فارسی وی به ترجمه آثار آلفونس دوده، که نوول نویس هم بوده، پرداختند؛ لکن ترجمه آثار کوتاه ادگار آلن پو^۷، که تقریباً در حوالی ۱۳۲۸ آغاز شد، با سی سال تأخیر نسبت به مویاسان انجام گرفت. بنابراین منطقی خواهد بود که از تأثیر داستان های کوتاه مویاسان و دوده در دهه ۱۳۲۰ صحبت شود تا از مویاسان و پو (آزند، *ادبیات نوین ایران*، ص ۱۰۳).

ترجمه های ادبی که از قرن نوزدهم در خصوص ادبیات فرانسه شروع شده بود، در ربع اول قرن بعد تأثیر خود را نشان دادند؛ چون که از همین ایام نسیم رمانتیک بر ادبیات فارسی وزیدن گرفت (بالایی، *پیدا/یش*، ص ۲۰۰) و داستان سرایی در دو محور رمان های تاریخی و رمان های اجتماعی قرار گرفت (همان، ص ۳۴۷ و ۳۴۸) و بدینسان تحول عمده ای را در انواع ادبی ما به وجود آورد. ترجمه آثار بزرگ از ادبیات فرانسه کم جای خود را به ادبیاتی که فاقد کیفیت بود داد؛ لیکن ظاهراً این

1 - E. About

2 - G. Simenon

3 - S. de Beauvoir

4 - E. Le Roy

5 - F. Mauriac

6 - V. Hugo

7 - E. A. Poe

ادبیات که در کشور مبداء نیز جایگاهی نداشت و اکنون نیز ندارد، خوانندگانی در ایران داشت، به طوری که جهانگیر جلیلی نویسندهٔ رمان خاطره انگیز من هم‌گریه کرده ام (۱۳۱۳/۱۹۳۴)، از زبان شخصیت اصلی داستان به انتقاد از ترجمهٔ کتاب های موریس لوبلان^۱ و میشل زواکو^۲، که هنوز هم ترجمه می شود، پرداخت (آرین پور، از نیما تا روزگار ما، ص ۳۱۴)، به ویژه این که مترجم مؤلف اولی، نصرالله فلسفی بود که قبل از این تاریخ، آثار مهمی همچون سرگذشت ورتسر (تهران، ۱۳۰۵) از گوته و بیچارگان (تهران، ۱۳۰۵) از هوگو را ترجمه کرده بود و مترجم مؤلف دومی حسینقلی مستعان. لکن آنچه که مسلم است این ترجمه ها اغلب به صورت پاورقی هم منتشر می شدند و نثر آنها، که به فهم عمومی و به زبانی ساده بود، کم کم تأثیر خود را بر نثر فارسی نشان داد (سیاح، ص ۲۶۰؛ آرین پور، همان، ج ۱، ص ۲۶۰).

قدر مسلم این است که تحول عمده در انواع ادبی رخ داد و البته تا حدود زیادی موجد آن جمالزاده بود که در سال ۱۹۲۱ در مجموعهٔ یکی بود و یکی نبود و ضمن صحبت از رمان و اهمیت آن برای جامعه ایرانی، شش داستان کوتاه ارائه نمود که مضمون همهٔ آنها در رابطه با ایران بود؛ در حالی که در این تاریخ مؤلف سالها بود که در خارج از کشور به سر می برد، لکن از همان ابتدای همکاری با مطبوعات تأثیر آثار دوده، برناردن دو سن پیر^۳، گوینو^۴ و سایر نویسندگان فرانسوی، که بعضی از آنها از معاصرانش نیز بودند، بر او محرز بود (کویی پرس، ص ۱۳۸ و ۲۱۷ و ۱۴۳). او در گفته ها و نوشته هایش وجه تمایزی بین رمان و داستان کوتاه قائل نشد و عباراتی همچون «رمان»، «قصه» و «حکایت» را به تناوب به کار برد، اما این به معنای آن نبود که او مفهوم انواع ادبی را نمی دانست (همان، ص ۱۷۰)، چون که اگر چنین بود او می توانست به راحتی در مقدمه های بعدی همان اثر به جبران امر بپردازد. او همش را مصروف معرفی رمان کرد که اکثریت مطلق نویسندگان به آن می پرداختند، در حالی که داستان کوتاه چنین جایگاهی را در ادبیات نداشت و هنوز به اهمیت رمان نیست.

لکن صادق هدایت با مجموعهٔ زنده به گور (تهران، ۱۳۰۹/۱۹۳۰) نه فقط به ارائه داستان کوتاه به معنای اخص کلمی می پردازد؛ بلکه مضمون های فرانسوی را با سبک و سیاق موباسان در دو داستان

1 - M. Leblanc

2- M. Zevaco

3 - Bernardin de Saint-Pierre

4 - Gobineau

کوتاه این مجموعه، *اسیر فرانسوی و مادلین* ارائه می‌کند. اولین داستان کوتاه با مضمون جنگ فرانسه و آلمان است و زندانی فرانسوی از بوش‌ها (آلمانی‌ها) با تفریح یاد می‌کند و مخاطب داستان را به فکر رفتار بد و خشن آنها می‌اندازد. دومی که مضمونی رمانتیک‌گونه دارد، از همان ابتدا با عناصر رئالیستی همچون آواز شورانگیز قایقرانان ولگا شروع می‌شود و سپس با صحبت از کازینو، پلاژ و نیز صحبت از پلاژ خاطره‌انگیز تروویل^۱ و بندر لوهاور^۲ تداوم می‌یابد؛ مناطقی که نه فقط در آثار موپاسان بکرات آمده، بلکه محل‌هایی بوده‌اند که او دوره طفولیت خود را در آن مناطق گذرانده بود؛ از جمله پلاژ زیبای اترتا^۳ [این محل ونیزکو، به کرات در جان ریکتی، *گی دو موپاسان*، (ص ۸ و ۹) ذکر شده‌اند]، واقع در نزدیکی کو^۴، که هدایت چند ماه قبل از نوشتن این نوول خود در آن محل به سر برده بود و از همان جا هم نامه‌ای برای برادرش ارسال کرده بود (آرین پور، *از نیما تا روزگار ما*، ص ۳۷۷).

نتیجه‌گیری

آنچه که مسلم است، داستان‌های کوتاه موپاسان به طور اخص در آثار هدایت و چند تن دیگر از قصه‌پردازان، همچون محمد حجازی، تأثیر داشته است؛ لکن مضامین نوشته‌های او به شکل گسترده‌تری بر نویسندگان ما تأثیر داشته و تحولی را در تاریخ ادبیات ما در قرن بیستم از نظر قصه‌نویسی و رمان‌نویسی موجب گشته است. افزون بر آن، مترجمان بزرگ و نیز آنانی که فقط چند داستان کوتاه او را ترجمه کرده‌اند و در نتیجه تداوم شناخت آثار او را موجب گشته‌اند، به سهم خود در شناساندن ادبیات فرانسه در کشور ما کمک مؤثری کرده‌اند و حتی نخستین کارنامه را در ارتباط با ادبیات تطبیقی فراهم آورده‌اند.

منابع

- ۱- آرین پور، یحیی، *از صبا تا نیما*، ج ۳، تهران، جیبی، ۱۳۵۳، (دو جلد).
- ۲- آژند، یعقوب، *نمایشنامه‌نویسی در ایران*، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳.

-
- 1 - Trouville
 - 2 - Le Havre
 - 3 - Etretat
 - 4 - Caux

- ۳- بالایی، کریستف، *پیدایش رمان فارسی*، مترجمان مهوش قویمی - نسرین خطاط، انتشارات معین - انجمن ایرانشناسی فرانسه، ۱۳۷۷.
- ۴- بالایی، کریستف و کویی پرس، میشل، *سرچشمه های داستان کوتاه*، ترجمه دکتر احمد کریمی حکاک، تهران، انتشارات معین، انجمن ایرانشناسی فرانسه، ۱۳۷۸.
- ۵- بروئل، پیر و دیگران، *تاریخ ادبیات فرانسه*، جلد چهارم، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- ۶- پرستلی، جی - بی، *سیری در ادبیات غرب*، ترجمه ابراهیم یونسی، ج ۳، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۲.
- ۷- تراویک، باکتر، *تاریخ ادبیات جهان*، ترجمه عربعلی رضایی، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۳، ج ۱.
- ۸- جمال زاده، سید محمد علی، *یکی بود و یکی نبود*، ج ۷، تهران، معرفت، ۱۳۴۵.
- ۹- درنون، موریس، *گشتی های شبانه و داستان های دیگر از نویسندگان فرانسوی*، ترجمه قاسم صنوعی، تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۰- ریگتی، جان، *گی دو مویاسان*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، انتشارات کهکشان، ۱۳۷۷، (نسل قلم).
- ۱۱- سیاح، فاطمه، *نقد و سیاحت*، به کوشش محمد گلین، تهران، توس، ۱۳۵۴.
- ۱۲- عبدالجلیل، ج.م.، *تاریخ ادبیات عرب*، ترجمه دکتر آ. آذرنوش، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- ۱۳- *کتابشناسی رمان و مجموعه های مترجم*. زیر نظر مهدی افشار؛ پدیدآورنده: فاطمه کنارسری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ (دو جلد).
- ۱۴- مجتبی، مینوی، *داستان ها و قصه ها*، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹.
- ۱۵- مویاسان، گی دو، *تهلی و چند داستان دیگر*، ترجمه محمد قاضی، تهران، نشر آروین، ۱۳۷۲.
- ۱۶- مولوی، فرشته، *کتابشناسی داستان کوتاه (ایران و جهان)*، تهران نیلوفر، ۱۳۷۱.
- ۱۷- میرسکی، د.س.، *تاریخ ادبیات روسیه*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، ج ۲.
- ۱۸- میرصادقی، جمال، *ادبیات داستانی*، ج ۳، تهران، ۱. علمی، ۱۳۷۶.
- ۱۹- نفیسی، سعید، *خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی*، به کوشش علیرضا اعتصام، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱.
- ۲۰- ولک، رنه، *تاریخ نقد جدید*، ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران، نیلوفر، ج (۱) ۴، ۱۳۷۷ و جلد (۲) ۴، ۱۳۷۹.
- ۲۱- هدایت، صادق، *زنده به گور*، ج ۷، تهران، کتاب های پرستو، ۱۳۴۴.
- ۲۲- همو، *ادبیات نوین ایران*، ترجمه و تدوین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- ۲۳- همو، *از نیما تا روزگار ما*، تهران، زوار، ۱۳۷۴.

- 25- Lagard, A et Michard, L, *La littérature française*. Paris, Bordas-Laffond, 1970, t.3.
- 26- Maupassant, Guy de, *Romans*, éd., établie par Loius Forestier, Paris, Gallimard, Bibl. de la Pléiade, 1987.